

داشتند. عده‌ای دیگر به آرایش کلمات، عبارات و جملات که در اصطلاح «فصاحت در بیان شفاهی» نامیده می‌شود، اهمیت می‌دادند. با گسترش صنعت چاپ، «فن فصاحت شفاهی» به تدریج از میان رفت، اما اهمیت نسبی نوآوری و نظم و ترتیب جملات همچنان بحث‌انگیز باقی ماند.

در بحث‌های جدید، اصطلاحات تا حدی تغییر یافته و آموزش انشانویسی بر «پیش‌نویسی»، «بازنگری» و «ویرایش» متمرکز شده است.

به طور کلی پیش‌نویسی، تنظیم کردن، بازنگری و ویرایش مراحل مهم فرآیند انشانویسی به حساب می‌آیند.

در مرحله پیش‌نویسی، دانش‌آموزان عملاً دست‌اندرکار نوشتن خلاصه اولیه‌ای از یک موضوع می‌شوند. انشانویسی مجموعه فعالیت‌هایی است که برای تهیه چرک‌نویس، بازنگری (فعالیت‌هایی برای دادن نظم دوباره به مطالب یا ایجاد تغییر در آن‌ها از چرک‌نویس اولیه تا پاک‌نویس نهایی)، ویرایش (فعالیت‌هایی که با هدف رفع کاستی‌های دستوری، زبانی و علمی) در یک متن نهایی، صورت می‌گیرد.

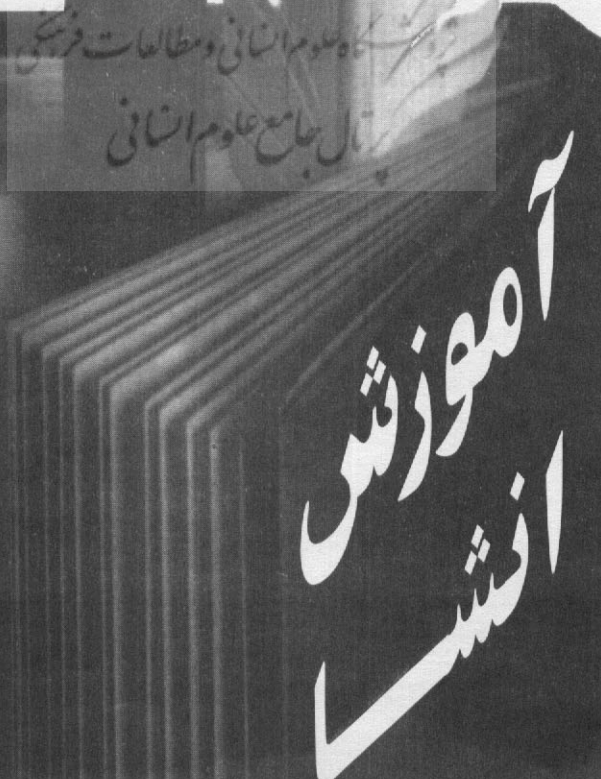
۱. پیش‌نویسی

در زمان ما «پیش‌نویسی» تقریباً با نوآوری، کشف آن‌چه که باید گفته شود و راه‌های سامان دادن به مطالب و ارائه آن‌ها مترادف

در بیش‌تر جوامع، یکی از موضوعات قدیمی تعلیم و تربیت آموزش انشاست. ما در این مقاله تاریخ تدریس انشا، وضعیت فعلی، روش‌های آموزشی و مسائل مربوط به آن را به طور کوتاه بررسی خواهیم کرد. آموزش انشا در آغاز به ویژه در یونان، روم و اروپای قرون وسطی نوعی بیان شفاهی بود. در چین و هند آموزش دبیران و فن انشانویسی در تعلیم و تربیت نقش برجسته داشت. در مغرب زمین فن نوشتن در آغاز متأثر از نظریات ارسطو بود و بعدها تحت تأثیر خطیبانی چون کوئنتیلیان، لونگینوس، سیسرو و سنکا قرار گرفت.

با اختراع دستگاه چاپ، مسیر آموزش از «شفاهی» به «کتبی» تغییر جهت داد و از قرن هیجدهم به بعد، انشا جزء برنامه‌های درسی مدارس قرار گرفت.

آموزش انشا در طول تاریخ خود مسئله‌ای بحث‌برانگیز بوده است. چهارچوب اصلی این بحث را اهمیت نسبی محتوا و سبک انشا، اعتبار علمی، نحوه استدلال، درستی مطالب و کیفیت بیان مطالب تشکیل می‌دهد. بسیاری از خطیبان در آموزش فن خطابه، بیش‌تر به ابتکار یا نظم و ترتیب داده‌ایده‌ها توجه



تحقیقات نشان داده است که فرآیند نوشتن انشا پیچیده است و تفکیک مراحل متوالی پیش نویسی و بازنگری ضرورت ندارد. این مطالعات همچنین نشان داده است که نویسنده به هنگام نوشتن، به طور همزمان به محتوا (آن چه که باید گفته شود) و شکل یا سبک نوشتن (چگونه باید گفته شود) توجه می‌کند.

فلاور و هایس (۱۹۷۹). برخی از آن‌ها در مطالعات خود به مراحل مجزای نوشتن انشا توجه داشتند و برخی، توضیحات نویسنده انشا را ملاک مطالعه قرار دادند. در زمینه مراحل زمان بندی یک انشا متأسفانه مطالعات چندانی انجام نشد اما به هر حال نتایج این تحقیقات نشان داد که فرآیند نوشتن انشا پیچیده است و تفکیک مراحل متوالی پیش نویسی و بازنگری ضرورت ندارد. این مطالعات همچنین نشان داد که نویسنده به هنگام نوشتن به طور همزمان به محتوا (آن چه که باید گفته شود) و شکل یا سبک نوشتن (چگونه باید گفته شود) توجه می‌کند.

در مورد نقش معلم در عمل نوشتن و دخالت او در فرآیند انشانویسی اطلاعات زیادی در دست نیست. زوئلس (۱۹۶۹) در تحقیقی نشان داد که هرگاه معلم در اثنای نوشتن یا بعد از آن، نوشته دانش آموز را بررسی نماید و نکاتی را توصیه کند و شاگرد نیز توصیه های معلم را به کار گیرد، روند نوشتن بهبود می‌یابد. متأسفانه این امر کم تر صورت می‌گیرد و در بیش تر مواقع، آموزش انشانویسی بر تهیه پیش نویس و بازنگری در آن متمرکز می‌گردد.

۲. بازنگری و ویرایش

پیش تر آموزش های مستقیم نوشتن در دو حوزه بازنگری و ویرایش شکل می‌گیرد. آموزش انشا معمولاً بر یکی از دو زمینه تولید و سازماندهی ایده‌ها و سبک یا شکل انسجام مطالب متمرکز است. به طور کلی فرآیند آموزش دو سویه است؛ یعنی، به معلم و دانش آموز - هر دو - مرتبط می‌شود. معلم با ارائه توضیحات و راهنمایی درباره یکی از این دو زمینه و دانش آموز با ایجاد تغییرات مناسب در متن درگیر این فرآیند می‌شوند.

اگرچه در بیش تر کشورها آموزش و تمرین انشا با یک یا هر دوی این زمینه‌ها سروکار دارد، اما ممکن است که برای مثال، به تحلیل متون کلاسیک به منظور تشخیص چهارچوب آن‌ها و تقلید از الگوهای به کار گرفته شده در آن‌ها نیز بپردازد و به نوع نوشته، ساختار ظاهری، (همچون پاراگراف بندی)، روابط علت و معلولی و طبقه بندی مطالب هم توجه داشته باشد.

در بیش تر کشورها، علاوه بر موارد یاد شده، مقدار زیادی از زمان آموزش صرف، یادگیری قواعد، تمرین جملات، دستور زبان، نقطه گذاری، تلفظ کردن درست و غنا بخشیدن به ذخیره واژگانی دانش آموزان می‌شود.

است. پیش نویسی معمولاً به فعالیت های ذهنی، طرح ریزی و یادداشت برداری اختصاص دارد. در تهیه یک پیش نویس، رویکردهای آموزشی مختلف مورد نظر قرار می‌گیرند. در رویکرد کلاسیک، تعیین چارچوب موضوع، راهبردهای تعیین چارچوب نظیر تحلیل منطقی از موضوع مطرح می‌شود. از مدل های دیگر تحلیل موضوع می‌توان به مدل حل مسئله، مدل نمایشی^۱ و مدل تجزیه و تحلیل متن اشاره کرد.

وجه مشترک همه رویکردها این است که پس از تعیین موضوع برای دانش آموزان، آن‌ها با معلم یا هر یک به طور جداگانه، باید موضوع انشا را در ارتباط با اهداف، محتوا و مخاطبان تحلیل کنند.

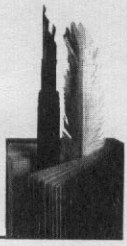
در رویکردهای مختلف به هر صورت بر یکی از سه مرحله مهم دیگر انشانویسی (تهیه پیش نویس بازنگری یا ویرایش) تأکید می‌شود.

برخی از رویکردها نظیر حل مسئله اساساً بر اصول و قواعد معین یا راه های مناسب و مشخص در ارائه یک موضوع تأکید دارند. برخی دیگر بر نقش نویسنده به عنوان فرد درگیر در موضوع، تحلیل مخاطبان و آن چه که خواننده را به موضوع علاقه مند می‌سازد، تأکید می‌کنند. همه این رویکردها توصیه می‌کنند که قبل از نوشتن موضوع، کارهای زیادی باید انجام گیرد. اخیراً گفته شده است که نوآوری، به هنگام نوشتن اتفاق می‌افتد و بهتر است ه دانش آموزان در ابتدا در این زمینه فکر نکنند، برعکس باید آن‌ها را به چیزی به نام «نوشتن آزاد» ملزم کرد.

ایده‌ها با گذاشتن قلم بر روی کاغذ و در مسیر نوشتن شکل می‌گیرند. سپس مطالب چرک نویس شده به منظور تولید محصول نهایی باید تحلیل و بازنگری شوند. امروزه این ایده در «نوشته های نقلی^۲» که هدف نویسندگان آن‌ها بیان عقاید خود و کشف نظریات دیگران درباره یک موضوع با هدف کمک به مخاطبان است بیش تر تقویت شده است (تحقیقات رالبو، بریتون و دیگران ۱۹۷۵).

انشانویسی (ترکیب کردن جملات)

در دهه ۱۹۷۰ پژوهشگران در مورد دانش آموزان سنین مختلف که با نوشتن انشا درگیر بودند، تحقیقاتی انجام دادند (امیگ ۱۹۷۱، لیندل ۱۹۷۴، گراوس ۱۹۷۵، بریتون ۱۹۷۵،



اخیراً گفته شده است که نوآوری، به هنگام نوشتن اتفاق می افتد و بهتر است دانش آموزان در ابتدا در این زمینه فکر نکنند، برعکس باید آن ها را به چیزی به نام «نوشتن آزاد» ملزم کرد.

(ب) آموزش موضوعات متغیر: رویکردی که هدف آن تدریس اشکال متفاوت و متنوع انشا است و به مخاطبان آن بستگی زیادی دارد. این رویکرد بر ساختار زبان، اشکال و زبان تأکید می کند.

(پ) آموزش مرحله ای: این رویکرد بر مراحل مختلف نوشتن (تهیه پیش نویس، نوشتن و بازنگری) تأکید دارد.

(ت) آموزش محتوا: رویکردی که هدف آن کسب مهارت در نوشتن به روش غیرمستقیم است. این روش بر انجام بحث های مناسب درباره موضوع تأکید دارد (برای مثال ادبیات یا تاریخ).

(ث) آموزش دانش: رویکردی که بر آموزش اطلاعاتی درباره زبان، نویسندگی و اهداف آن و کاربرد صحیح ساختارها، اشکال و زبان از طریق کسب چنین دانشی تأکید دارد.

هر یک از این پنج رویکرد تاریخ نسبتاً طولانی و مدافعی در کشورهای مختلف جهان دارند. معلمان، در عمل، از یک رویکرد واحد و انحصاری استفاده نمی کنند (بیش تر معلمان التقاطی^۴ یا عمل گرا^۵ هستند). در حال حاضر، به نظر می رسد که معلمان ترجیح می دهند از یک یا دو رویکرد به طور هم زمان استفاده کنند. هر رویکرد به طور واضح به شرایط کلاس درس بستگی دارد؛ مثلاً چه نوع تکلیفی برای انشا تعیین شود، یا چه بازخوردی را از دانش آموز باید دریافت کرد. تحقیقاتی در این زمینه باید انجام شود؛ به ویژه اصول و معیارهایی که موجب می شود یک نوشته خوب یا بد از کار درآید و همین طور نوع دانش آموزی که باید به او آموزش داد (برای مثال این که آیا آن ها به زبان مادری خود یا به زبان دوم می نویسند) و بالاخره میزان علاقه و انگیزه دانش آموزان به موضوع نوشتن باید مورد مطالعه قرار گیرد.

۴. تحقیق در رویکردهای شناختی در نوشتن

کمی بعد از شروع دهه ۱۹۷۰ تعدادی از روان شناسان شناختی توجه خود را به موضوع انشانویسی معطوف کردند. کار این روان شناسان تا حدی مسائل مطرحه قبل را تأیید می کند. آن ها کار خطیبان گذشته را از راه مطالعه دقیق فرآیند انشانویسی و جستجو برای ایجاد یک چارچوب سلسله مراتبی-که از نظر آموزشی نیز مفید باشد- تکمیل کردند. قبل از هر چیز روان شناسان مایل بودند که آموزش نوشتن و توسعه آن را از راه

در ایالات متحده از دهه ۱۹۷۰ تا کنون بیش تر تمرینات شامل «ترکیب کردن جملات» است که با استفاده از راه برد تغییر شکل دستوری جملات صورت می گیرد. در این تمرینات، دانش آموزان با یک سری از تک جمله ای های غیر مرتبط رو به رو می شوند و از آن ها خواسته می شود که این جملات را به صورت یک جمله کامل بنویسند.

برای مثال: جان یک توپ داشت؛ توپ قرمز بود، توپ بزرگ بود.

جان یک توپ قرمز بزرگ داشت.

پژوهش های اخیر نشان داده است که تمرین در ترکیب کردن جمله-همراه با آموزش دستور یا بدون آن- توانایی دانش آموزان را در فن نگارش بالا می برد، به علاوه، نمرات دانش آموزان در آزمون های انشا نیز افزایش پیدا می کند (أهاره ۱۹۷۳).

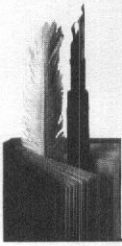
از به کارگیری شیوه ترکیب کردن جملات در سایر کشورها اطلاع روشنی در دست نیست اما گزارش های غیر رسمی نشان می دهد که انواع مشابه این فعالیت تقریباً در حال گسترش است. امروزه درباره اثربخشی دستور زبان در عمل نوشتن، بازنگری و ویرایش و به طور کلی انشانویسی دانش آموزان در بیش تر کشورهای تردید وجود دارد. مطالعات (الی و دیگران ۱۹۷۶) نشان می دهد که آموزش دستور زبان، تأثیر ناچیزی در بهبود آموزش انشا داشته است.

۳. رویکردها در آموزش نوشتن

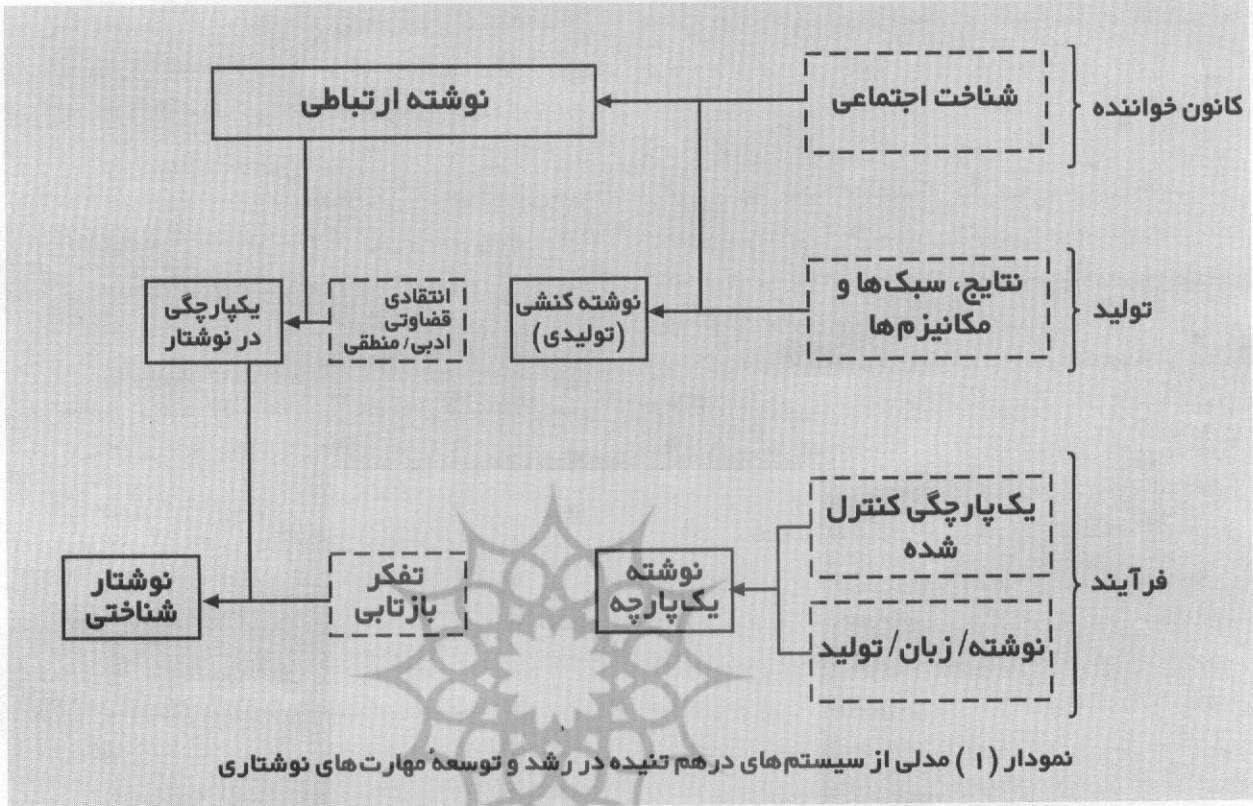
در حال حاضر چندان روشن نیست که از رویکردهای مختلف در آموزش نوشتن چگونه استفاده می شود. مدل هایی که امروزه از آن ها بسیار یاد می شود عبارت اند از:

مدل سنتی (به کارگیری متون کلاسیک با هدف تقلید از آن ها)، مدل شایستگی، مدل تحلیلی (با هدف تأکید بر صحیح نوشتن)، مدل فرآیندی و مدل نوشتن آزاد (با تأکید بر فرآیند رشد شناختی) (ماندل ۱۹۸۰). این مدل ها با روش شناسی و انشانویسی کاملاً گره خورده اند. بررسی ها نشان می دهد که در آموزش انشا پنج رویکرد وجود دارد:

(الف) آموزش موضوعات ثابت: رویکردی که هدف آن از آموزش، گزینش انواع خاصی از نوشتن است (برای مثال نامه های مختلف یا مقاله های علمی). این رویکرد بر اشکال صحیح ساختارهای انشا و زبان تأکید دارد.



پژوهش‌های اخیر نشان داده است که تمرین در ترکیب کردن جمله-همراه با آموزش دستور یا بدون آن- توانایی دانش‌آموزان را در فن نگارش بالا می‌برد.



آموزش دانش‌خطابه و رشد عمومی زبان تجربه کنند. زبان نوشتاری ارتباط متفاوتی را بین نویسنده و خواننده (در مقایسه با رابطه بین سخنگو و شنونده) ایجاد می‌کند. این امر ممکن است

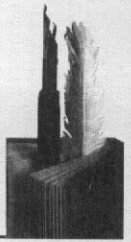
بیش تر به دلیل تأثیر انواع مختلف تفکر به زبان نوشتار باشد و کم تر به زبانی که با آن سخن گفته می‌شود، مربوط باشد (دیلون ۱۹۸۱، آلبی و لانگر ۱۹۸۷).

به عقیده یکی از محققان (برتیر ۱۹۸۰) نویسنده برای این که توانایی نوشتن را کسب کند، لازم است به طور عملی با طرح‌های نوشتن درگیر شود. برای مثال (۱) داشتن یک طرح اجرایی کلی یا طرح مناسب که ساختار کلی نوشته را معین می‌کند

(در این جا نوشتن نامه بیش تر مطرح است تا مقاله) (۲) طرحی از مراحل مختلف تکمیل محتوا و (۳) طرح فرآیندی کردن زبان.

هر یک از این طرح‌ها، شامل تعدادی زیر طرح است. نویسنده پس از کسب تجربیاتی، اهمیت این طرح‌ها را درک می‌کند و آن‌ها را به کار می‌گیرد. برتیر در نمودار (۱) «الگوی گسترش یافته کلی»^۶ را به عنوان مدلی برای حرکت فرد از سخنرانی به نوشتن

تحقیقات شناختی در نوشتن، جنبه‌های مختلف از مراحل پیش نویسی را مورد بررسی قرار داده است. همچنین این تحقیقات، بر بازنگری و ویرایش، مراحل و انواع راهبردهای مختلفی که فراگیران با آن‌ها درگیرند، متمرکز شده است. تحقیق دیگری، اثرات تدریس با آن چه را که «اسکار دامالیا» و «برتیر» (۱۹۸۱) «تسهیل کننده‌های روشی»^۷ خوانده‌اند، مورد بررسی



برتیر نشان داده است که کندی در نوشتن و محدودیت های مکانیکی که با نوشتن همراه است، به میزان زیادی در کاهش نسبی کیفیت انشاهای دانش آموزان نقش دارد.

قرار داده است. این روش می تواند از راه بردهای ساده ای نظیر پرسیدن از نویسنده- که از او درخواست می شود «بیش تر بگو» آغاز گردد و تا آشنا کردن نویسنده با مدل های پیچیده الگوهای نحوی در بازنگری، ادامه یابد.

به طور کلی کاربرد این مدل (تسهیل کننده) موجب می شود که حجم و کیفیت نوشته افزایش یابد. این تحقیق ضمناً نشان می دهد که بخشی از آموزش باید بر متن واقعی و بخش دیگر بر طرح های ذهنی از متن متمرکز شود. (از طرح های نموداری گرفته تا طرح هایی برای کل متن)؛ به گونه ای که نه تنها کارایی فرد در نوشتن افزایش یابد، بلکه دانش آموز قادر به استفاده از طرح در کارهای بعدی خود نیز باشد.

پژوهش های برتیر و همکاران او نشان داد که نویسندگان جوان و مبتدی (از سن ۱۱ سال به بالا) را می توان در طراحی و ارزیابی نوشته های خود با مدل «تسهیل کننده روشی» یاری کرد. در این روش، استعداد بچه ها از طریق رهنمودهای عملی و استفاده از بعضی فنون بدون اشاره به محتوا به کار گرفته می شود.

برتیر همچنین نشان داده است که کندی در نوشتن و محدودیت های مکانیکی که با نوشتن همراه است، به میزان زیادی در کاهش نسبی کیفیت انشاهای دانش آموزان نقش دارد. زمانی که دانش آموزان ترغیب می شوند که بیش تر بنویسند، می توانند کمیت انشای خود را تا دو یا سه برابر افزایش دهند. به علاوه لازم است دانش آموزان ترغیب شوند تا کوشش شناختی و تلاش ذهنی بیش تری در ساختن یا دوباره سازی تجسمات و طرح های ذهنی از متن و در سطوحی بالاتر از آن چه در املا مطرح است، از خود بروز دهند. این امر در نهایت ثمراتی را به دنبال خواهد داشت و این تلاش ذهنی فوق العاده دانش آموزان به هنگام تولید زنجیره های زبانی جدید- که دارای پیوستگی هستند- موجب موفقیت آن ها خواهد شد. در حالی که در تمرینات ساده املا که کودک ابتدا گفته های معلم را می شنود و بعد ناچار است که آن ها را کلمه به کلمه به خاطر بسپارد و مجدداً بر روی کاغذ بیاورد، زنجیره های زبانی جدید غالباً از پیوستگی کم تری برخوردارند.

این تحقیق تأثیر رویکردی را که ترکیبی از آموزش های مرحله ای و تولیدهای متنوع است، آشکار کرد. به علاوه نشان داد در آموزش به طور کلی روشی است و کمتر از یک سری قواعد سخت و محدود متأثر می گردد. اگر از این دید به مسئله نگاه کنیم، روش ها و فنون آموزشی مختلف قبل از آن که توسط

معلم، در کلاس به کار گرفته شوند، باید از طریق تحقیق مورد آزمون قرار گیرند و کارایی آن ها سنجیده شود.

۵. استفاده از کامپیوتر در آموزش انشا

در آموزش انشا با استفاده از کامپیوتر، به ویژه از طریق «کامپیوتر پردازش گر کلمات» پیشرفت های جدیدی صورت گرفته است. دهه ۱۹۶۰ شاهد برخی تجربیات از طریق آموزش برنامه ای در نوشتن و با استفاده از کامپیوتر بود. بیش تر این طرح های اولیه به گرامر، کاربرد و مکانیزم های آن مربوط می شد. به هر حال کوشش در ارائه موضوعات پیچیده و صحیح تا به حال چندان ثمربخش نبوده است. «ابداع کامپیوتر پردازنده کلمات» با توجه به توانایی این وسیله در ذخیره کردن متن و توانایی های ویرایشی مختلف، طلیعه ای برای آموزش نوشتن در برخی از کشورهاست. این نوع آموزش کار خود را آغاز کرده است. کامپیوتر را می توان به عنوان ابزاری برای آموزش های مرحله ای و تولیدهای متنوع به کار گرفت؛ ضمن این که برای گسترش رویکرد شناختی در آموزش نوشتن نیز از توانایی هایی برخوردار است. علی رغم این اعتقاد که «با ظهور تکنولوژی های جدید، نوشتن در حال ناپدید شدن است»، نوشتن و نویسندگی همچنان باقی خواهد ماند. اما آموزش نوشتن ممکن است به راستی از طریق تحقیقات روان شناسان شناختی تغییر و تحول یابد و ما شاهد پیشرفت های جدیدی در این زمینه باشیم.

پی نوشت ها:

1. Dramatism Model
2. Free writing
3. Expressive writing
4. Eclectic
5. Pragmatic
6. General developed Pattern
7. Procedural Facilitators

منبع:

1. International Encyclopedia of Curriculum Composition Education, by A.C. Purves, PP, 529-532, PERGAMON PRESS, 1991.